فصل‌نامه‌ی مطالعات اقتصاد انرژی/ سال سیزدهم/ شماره‌ی۵۳/ تابستان ۱۳۹۶/ صفحات ۲۳۳-۲۱۳

بررسی رابطه درآمد هیدروکربنی با درآمد غیرهیدروکربنی کشورهای صادرکننده نفت

فاطمه نظری

کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران،

nazarifatemeh57@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۳۰

چکیده

به دلیل اهمیت بالای درآمد غیرهیدروکربنی (درآمد مالیاتی) در تأمین بودجه کشورها، بررسی عوامل مؤثر بر این درآمدها و رابطه آن با درآمد هیدروکربنی (درآمد نفتی) یکی از موضوعات مهم در اقتصاد است. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه درآمد هیدروکربنی با درآمد غیرهیدروکربنی کشورهای صادرکننده نفت با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۸ می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که در کشورهای صادرکننده نفت رابطه درآمد هیدروکربنی با درآمد غیرهیدروکربنی منفی و معنادار می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: H2 ,C23 ,N7

کلید واژه‌ها: درآمد غیرهیدروکربنی، درآمد هیدروکربنی، روش پانل دیتا

۱- مقدمه

برخی کشورها به دلیل موقعیت جغرافیایی، از منابع فراوان هیدروکربنی (نفت و گاز) برخوردارند و درآمد حاصل از تولید و صدور این منابع، نقش قابل توجهی در توسعه اقتصادی و سیاسی این کشورها داشته است. به همین دلیل، نفت و گاز در این کشورها به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت مطرح می‌باشد. از این رو، عموماً در ادبیات اقتصادی آنها از اصطلاح "بودجه نفتی[1]" استفاده می‌شود. با افزایش نقش نفت در اقتصاد این کشورها چارچوب‌های برنامه‌ریزی دولت برای تداوم توسعه اقتصادی بر پایه نفت و شدیداً متکی به دلارهای نفتی شکل گرفت (کارل، ۱۳۸۸). یکی از مشکلات این روند این است که با افزایش اتکا بودجه دولت به منابع نفت و گاز، یک اثر جانشینی بین درآمد نفتی و درآمدهای مالیاتی به وجود می‌آید که در مواقع کاهش پیش‌بینی نشده قیمت نفت به آسیب‌پذیری نظام مالی به‌صورت عدم توازن بودجه‌ای منجر می‌شود (تیجرینا-گاجاردو و پاگان[2]، ۲۰۰۳). مالیات یکی از ابزارهای اصلی اجرای سیاست‌های کلان اقتصادی است که در بیشتر کشورهای جهان بخش اصلی درآمد دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. با توجه به نقش دولت در اقتصاد هر کشور، شناخت دقیق‌تر عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی، می‌تواند راه را برای تدوین سیاست‌های کارا هموارتر سازد. از طرفی منبع دیگر درآمدی که دولت‌های برخی از کشورها از آن بهره می‌برند، درآمدهای ناشی از منابع طبیعی است. در ادبیات موضوع از این نوع درآمدها با عنوان رانت و دولت‌هایی که سهم بالایی از درآمدهای آنها از این منابع تأمین می‌گردد دولت‌های تحصیل‌دار نامیده می‌شوند (خداپرست شیرازی و تبعه ایزدی، ۱۳۹۳). ساختار و ترکیب درآمدهای دولت از مباحث بسیار مهم ادبیات اقتصاد بخش عمومی است. درآمدهای غیرهیدروکربنی(درآمد مالیاتی) و درآمد هیدروکربنی (درآمد نفتی) دو نوع مهم این درآمدها محسوب می‌شوند. درآمدهای غیرهیدروکربنی (درآمد مالیاتی) در مقایسه با سایر منابع درآمدی به میزان قابل توجهی آثار نامطلوب اقتصادی را کاهش می‌دهد. این منبع درآمدی به دلایل بسیاری از جمله قابلیت کنترل، بر سایر منابع درآمدی ناشی از اقتصاد داخلی برتری دارد. برخی کشورها مانند ایران از مقادیر قابل توجهی منابع

1. Petrolized
2. Tijerina-Guajardo & Pagán

طبیعی برخوردارند و درآمدهای ناشی از این منابع سهم نسبتا بالایی از درآمدهای دولت را به خود اختصاص داده است. ایراد عمده درآمدهای ناشی از منابع طبیعی را مـی‌تـوان در سه مورد خلاصه کرد: ۱- بی‌ثباتی ذاتی قیمت این منابع و درآمدهای ناشـی از آنهـا، ۲- تجدیدناپذیری و تمام شـدنی بـودن ایـن منـابع و ۳- تبعـات سیاسـی، اجتمـاعی و اقتصادی ناشی از اتکای بیش از حد به این نوع درآمدها (زراء نـژاد و همکـاران، ۱۳۹۳). مالیات به‌عنوان معمول‌ترین و مهم‌ترین منبع مالی بـرای تـأمین درآمـدهای عمـومی و یکی از مؤثرترین ابزارهای سیاست‌های مالی دولت به شمار مـی‌رونـد. دولـت مـی‌توانـد به‌واسطه آن بسیاری از خدمات اجتماعی و رفاهی را به مردم ارائه دهد و سمت و سـوی بسیاری از فعالیت‌ها و جریانات اقتصادی و اجتماعی را تعیـین نمایـد. بـالا بـودن سـهم منابع حاصل از فروش نفت و پایین بودن سهم وصـولی‌هـای مالیـاتی در ترکیـب منـابع بودجه عمومی دولت، علاوه بر آن که عوارض ناگواری همچون وابستگی درآمد کشور بـه صدور یک کالا دربر دارد، اقتصاد کشور را از امکان استفاده مؤثرتر از مالیات برای اعمال سیاست مالی محروم ساخته است (گرایی نژاد و چپـردار،۱۳۹۱). مالیـات در نظـام‌هـای اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، نه‌تنها ابزار تأمین‌کننده مصارف بودجه دولت محسـوب می‌شود، بلکه در اجرای سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی تعیین شده نیـز نقـش بـارزی ایفا می‌کند (روسن[1] ،۲۰۰۵). پرداخت مالیات از مهم‌ترین عوامل رشد و توسـعه جامعـه به‌حساب می‌آید و موجب رونق اقتصادی، تحقق عـدالت اجتمـاعی، افـزایش خـدمات و عمران و آبادانی کشور می‌شود. در حال حاضر بخش عمده‌ای از اعتبـارات و درآمـدهای مالیاتی، صرف عمران، آبادانی و امور زیربنایی کشور می‌شود. از این رو ارتقای روزافـزون نظام مالیاتی و همگام ساختن آن با دانش روز، نقش انکارناپـذیری در توسـعه اقتصـادی کشور خواهد داشت. علی رغم اهمیت درآمدهای مالیاتی به‌عنوان منابع بـالقوه درآمـدی دولت، متاسفانه این نوع درآمدها از جایگاه واقعی خود در ساختار اقتصـادی کشـورهای صاحب منابع نفتی برخوردار نیستند. عمده‌ترین دلیل این امر، اتکـای بـیش از حـد بـه درآمدهای نفتی و مشکلات موجود در ساختار نظام مالیاتی کشور می‌باشـد (نجـارزاده و زارع، ۱۳۸۵). درآمد حاصل از منابع طبیعی می‌تواند برای یک کشور ایجاد ثروت کرده و پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر را به دنبال داشته باشد. وجود این دیدگاه در مورد منابع

1- Rosen

طبیعی می‌تواند بر اساس تئوری توسعه اقتصادی نیز صورت گیرد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷). یک سیستم مالیاتی کارا علاوه بر تامین مالی مورد نیاز دولت باعث کنترل نقدینگی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت می‌شود. در کشورهای در حال توسعه مانند ایران درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی از اولویت خاصی برخوردارند. حال آنچه به‌عنوان سوال اساسی این مطالعه مطرح می‌شود این است که آیا درآمد هیدروکربنی (درآمد نفتی) به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت‌ها باعث کاهش درآمد غیرهیدروکربنی (درآمد مالیاتی) می‌شود؟ در این مطالعه به ارتباط بین درآمد هیدروکربنی و درآمد غیرهیدروکربنی در کشورهای دارای منابع غنی تمرکز خواهیم کرد. در ادامه به بیان مطالعات انجام شده درباره موضوع مورد مطالعه و بیان مبانی نظری تحقیق و نتایج حاصل از برآورد مدل خواهیم پرداخت.

۲- مبانی نظری

در خصوص نحوه بهره‌گیری از منابع طبیعی در اقتصاد داخلی و نسبت آن با درآمد غیرهیدروکربنی (درآمد مالیاتی) دو رویکرد کلی مطرح است. برخی اشاره کرده‌اند که کشورهای دارای منابع غنی، به دلیل منابع سرشار بایستی بار مالیاتی (غیرهیدروکربنی) داخلی نسبتاً پایینی داشته باشند تا باعث تشویق فعالیت‌های بخش خصوصی و به‌واسطه آن رشد اقتصادی شود. ضمن این که در عمل دولت‌ها خود تمایل به پایین نگهداشتن مالیات‌ها دارند تا به واسطه آن فشارها برای پاسخ گویی بیشتر و نمایندگی سیاسی تخفیف یابد (دوراسامی[1]، ۲۰۱۵). در مقابل، ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که نظری متفاوت دارند. استدلال می‌شود در جامعه‌ای که نظام مالیاتی گسترده وجود دارد، پرداخت مالیات به‌عنوان یک قرارداد اجتماعی قلمداد می‌شود که پرداخت کنندگان مالیات از طریق آن می‌توانند حضور سیاسی پیدا کنند و یا در برابر سیاست‌های عمومی حق اظهار نظر داشته و بر خدمات عمومی نظارت نمایند. در این صورت، کیفیت خدمات عمومی و اعتماد به دولت همراه با افزایش تلاش مالیاتی بهبود می‌یابد. درصورتی که ساختار اخذ مالیات داخلی ضعیف و اتکا به درآمد حاصل از منابع طبیعی مانند نفت و گاز بالا باشد، این ارتباط گسسته می‌شود و دولت‌ها از وضعیت حکمرانی

1. Doraisami

مطلوب فاصله می‌گیرند (کناک[1]، ۲۰۰۹). در واقع در شرایطی که دولت‌ها برای تأمین مالی برنامه‌های توسعه خود به درآمد حاصل از منابع طبیعی متکی و از مالیات داخلی بی‌نیاز باشند، ساختاری از دولت شکل می‌گیرد که در آن منابع مالی بین بخش‌ها و مناطق به‌صورت دلبخواهی و تصادفی توزیع می‌شود. استقلال مالی دولت باعث تمرکز گرایی گسترده و فقدان پاسخگویی می‌شود و احتمالاً در هنگام سیاست‌گذاری اقتصادی تا حد زیادی خودسرانه، غیرعقلایی و غیر قابل پیش‌بینی رفتار می‌کنند (کارل، ۱۳۸۸). علاوه بر آن، انتظار می‌رود منابع طبیعی در آینده‌ای قابل پیش‌بینی به اتمام برسد. در این شرایط، یک پایه مالیاتی متنوع می‌تواند از طریق ایجاد یک جریان مستمر درآمدی، از پروژه‌ها و برنامه‌های عمومی حیاتی در زمان پایان یافتن منابع طبیعی حمایت کند. وابستگی دولت‌ها به منابع طبیعی باعث اختلالات دائمی در توسعه نهادی دولت‌های نفتی شده است. با دسترسی آسان به درآمد نفت و گاز، کمتر تلاشی برای افزایش اخذ مالیات داخلی انجام گرفته است، در مقابل دولت‌ها در دام وسوسه خرج بیشتر با اتکا روزافزون به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی افتاده‌اند. از طرف دیگر، وابستگی بودجه‌ای به دلارهای نفتی تمایل به سمت رانت جویی توسط مقامات دولتی را نهادینه کرده و گروه‌های غیرنفتی را تضعیف و ظهور طبقات و گروه‌های اجتماعی جدیدی را تقویت نمود. که سرنوشت و ثروت آنها با توزیع رانت نفتی از طریق مخارج دولت ارتباط دارد. الگوی توسعه اقتصادی نفتی در این کشورها مبتنی بر صنعتی شدن یارانه‌ای و جانشینی واردات حمایت گرایانه و اخذ مالیات پایین می‌باشد. شاید در ابتدا این تصور ایجاد شود که درآمدهای فراوان حاصل از منابع طبیعی می‌تواند برای یک کشور ایجاد ثروت کرده و پیشرفت اقتصادی و کاهش فقر را به دنبال داشته باشد. برای مثال در مباحث توسعه، عقب ماندگی اقتصادی به سطوح پایین سرمایه‌گذاری ربط داده شده است. بنابراین منابع طبیعی می‌تواند عامل مهمی در تسریع سرمایه‌گذاری و به دنبال آن رشد اقتصادی باشد. اما مشاهدات تجربی عکس این ادعا را نشان می‌دهند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷). اتکا و اعتماد به درآمدهای نفتی زمانی‌که این درآمدها سهم عمده‌ای از درآمدهای کشور را تشکیل می‌دهند، مدیریت مالی کوتاه‌مدت، تنظیم برنامه میان‌مدت و کارآمدی و به کارگیری منابع عمومی را با مشکل روبرو می‌سازد. بیشتر

1. Knack

چالش‌ها در این زمینه از بی‌ثباتی‌ها و غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت نفت ناشی می‌شود. تغییرات چشمگیر و غیرقابل پیش‌بینی در مخارج دولت‌های نفتی و کسری‌های غیرنفتی این کشورها، تقاضای کل در آنها را با بی‌ثباتی همراه نموده و جو نااطمینانی (عدم ثبات و نامعلومی) را تشدید کرده و اقتصاد کلان این کشورها را متلاطم می‌سازد. بی‌ثباتی در مخارج دولت و الگوی کسری‌های غیرنفتی هزینه‌های سنگینی را بر اقتصاد ملی تحمیل می‌کند. تجدید منابع، جامعه را برای سازگاری با تغییرات تقاضا و قیمت‌ها برای نمونه تخصیص نسبی شده آماده می‌کند و موجب نوسانات نرخ ارز واقعی می‌شود و ریسک سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری در بلندمدت را با مشکل مواجه می‌سازد و لذا موجب کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد بخش غیرنفتی کشور می‌شود و بار اشتغال زایی و تولید دولت را مضاعف می‌کند. با توجه به سهم بالای درآمد نفت از کل درآمد عمومی، نوسانات درآمدهای دولت عمدتا متأثر از نوسانات درآمد حاصل از فروش نفت می‌باشد که به تبع آن درآمدهای مالیاتی نیز دستخوش نوسان می‌گردد. بر اساس دیدگاه سنتی در زمینه منابع و درآمدهای ناشی از آن، وجود مقدار قابل توجهی از موجودی منابع طبیعی، به کشورها برای رسیدن به رشد اقتصادی کمک می‌کند. در این دیدگاه، منابع طبیعی به‌عنوان بخشی از سرمایه یک کشور تلقی شده و در تابع تولید کل وارد شود. این دیدگاه به وسیله ادبیات گسترده‌ای با عنوان نفرین منابع نقد شده است. تا به حال دیدگاه نفرین منابع بیشتر بر تأثیرات قیمت منابع طبیعی و بیماری هلندی تمرکز داشته و نظریات جدیدتر مربوط به نفرین منابع بر آثار توسعه‌ای ناشی از رفتار تحصیل‌گرایی (رانت‌گرایی) دولت‌ها تاکید دارند. یکی از مباحث عمده فرضیه نفرین منابع طبیعی این است که درآمد حاصل از منابع، درآمدهای مالیاتی را به‌عنوان بنیاد مالی دولت تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، درآمد ناشی از منابع طبیعی بر انگیزه کشورها در تجهیز سایر منابع داخلی درآمدی اثر منفی دارد. به نظر می‌رسد درآمدهای ناشی از منابع طبیعی علاوه بر تأثیر بر ساختار نظام مالیاتی و ناکارآمد کردن آن، بر سطح تحقق یافته درآمدهای مالیاتی نیز مؤثر است. ادبیات نفرین منابع به ناکارآمدی نظام مالیاتی و پایین بودن سطح واقعی درآمدهای مالیاتی دولت‌های تحصیل‌دار می‌پردازد. اما این موضوع که همان سطح ناکارآمد درآمدهای مالیاتی نیز به وسیله رانت‌ها تغذیه می‌شود، مورد غفلت واقع شده است.

اتکای بیش از حد دولت به درآمدهای نفتی و سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه دولت باعث کم توجهی به مالیات و اخذ آن به‌صورت بهینه و کاهش بار مالیاتی می‌شود که این مسأله از طرفی باعث فرار مالیاتی اقشار پردرآمد جامعه شده و بار دیگر باعث تغییر توزیع درآمد به ضرر دهک‌های پایین درآمدی می‌شود و از طرفی دیگر پاسخگو بودن دولت و نظارت مهم بر دولت را کمرنگ می‌کند. به‌طور کلی درآمدهای حاصل از فروش نفت مستقیما عاید دولت شده و انگیزه دولت برای ایجاد یک نظام مالیاتی را از بین می‌برد که این خود باعث وخیم‌تر شدن وضعیت گردیده و وابستگی دولت به نفت را بیش از پیش افزایش می‌دهد (صاحب هنر و ندری،۱۳۹۲). توزیع درآمد و سیاست‌های اقتصادی به منظور تقسیم عادلانه امکانات بین اقشار مختلف جامعه از جمله مواردی است که همواره مورد تاکید بوده است. دستیابی به این هدف، مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی است. از جمله مهم‌ترین این ابزارها می‌توان از ابزارهای مالیاتی نام برد. یک سیستم مالیاتی کارا علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت باعث کنترل نقدینگی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت می‌شود. در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی از اهمیت خاصی برخوردار است. در زمینه تأثیر درآمدهای مالیاتی بر متغیرهای کلان اقتصادی، دو دیدگاه به شرح ذیل وجود دارد:

الف) دیدگاه طرف تقاضای اقتصاد: مالیات‌ها می‌توانند به‌عنوان عاملی برای ایجاد تعادل در اقتصاد کلان از طریق مدیریت تقاضا نقش قابل توجهی داشته باشند. مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری مصرفی در زمینه سیاست‌های مالیاتی از اهمیت بالایی برخوردارند. مالیات از طریق میل نهایی به مصرف، درآمد قابل تصرف را تحت تأثیر قرار داده و بر مصرف تأثیر می‌گذارد. کاهش میل نهایی به مصرف از طریق کاهش ضریب تکاثری، کاهش حجم تقاضا را درپی‌خواهد داشت. همچنین سرمایه‌گذاری در بلندمدت تولید را تحت تأثیر قرار داده ولی اثر آن به سرعت به افزایش تقاضای کل در اقتصاد منجر می‌شود (ابونوری و زیوری مسعود، ۱۳۹۳).

ب) دیدگاه طرف عرضه اقتصاد: اقتصاددانان طرف عرضه معتقدند افزایش تولید و کاهش مالیات‌ها راه حل صحیح برای مبارزه با تورم است. یکی از مهم‌ترین نکات مکتب اقتصاد طرف عرضه این است که نرخ‌های مالیات بر انگیزه‌های پس انداز و کار تأثیر

منفی دارد. البته تأثیر مالیات بر پس انداز به انگیزه‌های پس انداز بستگی دارد. بنابراین طرفداران این مکتب معتقدند در نتیجه کاهش نرخ‌های مالیات، افزایش در سطح اشتغال و تولید در اقتصاد به‌وجود می‌آید. این مکتب با توجه به منحنی لافر معتقد است کاهش مالیات ممکن است به قدری مؤثر واقع شود که از طریق افزایش کار و تولید نه تنها حجم کلی مالیات‌ها را کاهش نمی‌دهد بلکه با افزایش عرضه از میزان تورم می‌کاهد (ابونوری و زیوری مسعود،۱۳۹۳). به طور کلی بهبود در پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی به دولت‌ها کمک خواهد کرد تا برنامه‌ریزی بودجه‌ای بلندمدت و مطلوبی داشته باشند. این در حالی است که کارایی درآمدهای مالیاتی طی ادوار تجاری یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران اقتصادی در دنیا می‌باشد. در ادبیات اقتصادی، عملکرد درآمدهای مالیاتی دولت به توان اجرایی سازمان وصول کننده مالیات و نیز عوامل دیگری مانند تأثیر ادوار تجاری بر سطح اقتصادی مودیان، دیدگاه مودیان به اخذ مالیات توسط دولت و امکان فرار مالیاتی از سوی آنان بستگی دارد. برآیند عوامل مؤثر بر عملکرد درآمد مالیاتی دولت را می‌توان در شاخص و مفهوم اقتصادی مانند کارایی درآمد مالیاتی جستجو کرد. کارایی درآمدهای مالیاتی که در حقیقت از تقسیم نسبت درآمد مالیاتی مورد نظر به تولید ناخالص داخلی بر نرخ استاندارد مالیاتی به‌دست می‌آید. به‌عنوان معیار عملکرد سیستم‌های مالیاتی در اکثر کشورها استفاده می‌شود. هرچه این نسبت پایین‌تر باشد، نشان دهنده کاهش درآمدهای مالیاتی به دلیل اعطای معافیت‌های گسترده مالیاتی، کاهش نرخ‌ها در قانون مالیاتی و یا به دلیل اجرای ناقص قوانین مالیاتی در عمل خواهد بود. از این رو افزایش کارایی درآمدهای مالیاتی از طریق ارتقا کارایی مالیاتی پایه‌های موجود و همچنین معرفی پایه‌های با درجه کارایی بالا، همواره مدنظر سیاست‌گذاران مالیاتی بوده است (موسوی جهرمی و همکاران،۱۳۹۲). کشف منابع نفتی در کشور در ابتدا به این کشورها نوید توسعه را می‌داد. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند استفاده از درآمدهای نفتی می‌تواند به رشد سریع اقتصادی بیانجامد ولی آنچه در عمل اتفاق افتاد ابتلاء کشورهای صاحب درآمد نفتی به بیماری هلندی، افزایش فساد مالی و اداری، شکل گیری گروه‌های رانت خوار و وابستگی بیشتر به کشورهای خارجی و در مجموع افت شاخص‌های توسعه یافتگی بوده است. لازم به‌ذکر است برخی از کشورها نه تنها دچار افت شاخص توسعه یافتگی نشده‌اند بلکه با

مدیریت صحیح منـابع و جریـان ورودی درآمـدهای منـابع طبیعـی بـه‌عنـوان یکـی از راهکارهای مؤثر جهت دوری از آثار منفی ورود این درآمدها به اقتصـاد، از ایـن مشـکل جلوگیری نموده‌اند. عموما تصور می‌شود که کشورهای دارای منابع معدنی خوش بخـت هستند. یک چنین ذخایر و دارایی بخشی از سرمایه طبیعی کشور به حساب می‌آید. این دیدگاه از اینجا ایجاد می‌شود که انتظار مـی‌رود درآمـدهای کـلان نفتـی ثـروت ایجـاد نموده، رشد اقتصادی را بهبـود بخشـد و فقـر را کـاهش دهـد. تئـوری‌هـای اسـتاندارد اقتصادی نیز می‌گوینـد کـه قیمـت بـالای نفـت و سـایر منـابع نفتـی بایـد کشـورهای تولیدکننده را حداقل از دو جنبـه منتفـع سـازد. اول جریـان کـلان درآمـدی ناشـی از صادرات که فرصت سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها را فراهم می‌کند و دوم جریان ارز خـارجی ناشی از صادرات منابع طبیعی که می‌تواند بر مشکلات تحلیل شکاف دوگانه فـائق آیـد. دولت برای ایفای نقش‌های متفاوت خود به منابع درآمدی نیـاز دارد تـا بتوانـد مخـارج خود را تأمین مالی کند. در کشورهای برخوردار از منابع نفتی، درآمدهای حاصل از ایـن منابع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت به‌شمار می‌رود. نکات بسیار مهمـی در رابطه با استفاده از درآمدهای نفتی وجود دارد. اول ایـن کـه ایـن درآمـدها ناشـی از فروش سرمایه‌های کشور است و چنانچه این سرمایه صرف هزینه‌های جاری شود، عملا از بین خواهد رفت. اقتصاد متکی به نفت مشکلاتی از قبیل بیماری هلندی، کم تـوجهی به توانمندی‌ها و مزیت‌های کشور و... را در پی خواهـد داشـت. همچنـین بـا توجـه بـه پایان‌پذیری چنین منابعی، در صورت ادامه وابستگی به درآمدهای نفتی، با تهـی شـدن این منابع، مشکلات عدیـده‌ای در اقتصـاد بـروز خواهـد کـرد. یکـی دیگـر از آثـار ایـن وابستگی، تشدید تأثیرپذیری اقتصاد داخل از سایر اقتصادها و بنابراین تأثیر آن بر ثبات اقتصادی است (عباسیان و خاتمی،۱۳۹۱). در اقتصادهای وابسته به درآمدهای نفتی، به دلیل نوسانات درآمدهای نفتی، تعیین میزان کسری بودجه به سادگی امکان‌پذیر نیست. در واقع اگر نااطمینانی در درآمدهای نفتی وجود نداشت، دولت به راحتـی مـی‌توانسـت کسری بودجه غیرنفتی را برآورد و بر مبنـای آن برنامـه‌ریـزی نمایـد. بـا وجـود چنـین مشکلاتی، کاهش تدریجی وابستگی به نفت ضروری است. برای کـاهش ایـن وابسـتگی باید جایگزین مناسبی برای آن یافت. در این رابطه درآمدهای مالیاتی به‌عنـوان بهتـرین جایگزین معرفی می‌شوند.

۳- پیشینه تحقیق

اگبیگب و همکاران[1] (۲۰۰۶) رابطه بین تغییرات نرخ ارز، آزاد سازی تجاری و درآمد مالیاتی را در ۲۲ کشور افریقایی طی دوره ۹۶-۱۹۸۰ بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این بررسی رابطه بین آزادسازی تجاری و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها به نوع شاخص استفاده شده برای آزادسازی تجاری حساس بوده است. همچنین بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی کل و درآمد مالیات بر تجارت و درآمد مالیات بر مصرف رابطه‌ای قوی وجود نداشته است. هرچند که بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیات بر درآمد، رابطه‌ای نسبتا قوی وجود داشته باشد. رابطه بین نرخ ارز و تورم با انواع درآمدهای مالیاتی نیز منفی بوده است.

مهدوی (۲۰۰۸) در پژوهشی با تفکیک درآمدهای مالیاتی به اجزای مختلف، اقدام به برآورد توابع درآمدهای مالیاتی کرده و نشان داد برخی از متغیرها بر سطح و اجزای درآمدهای مالیاتی تأثیر یکسان دارند، در حالی که برخی متغیرها اثری متفاوت از آنچه بر سطح کل درآمدهای مالیاتی دارند بر اجزای درآمدهای مالیاتی به جای می‌گذارند.

رییز لویا و بلانکو[2] (۲۰۰۸) برای اندازه‌گیری اهمیت درآمدهای نفتی در کل درآمدهای دولت مکزیک، تأثیر درآمدهای نفتی بر دیگر درآمدها را برآورد کرده‌اند. براساس نتایج این تحقیق، میان درآمدهای نفتی و سایر درآمدهای دولت مکزیک یک رابطه جانشینی وجود دارد، به طوری‌که افزایش درآمدهای نفتی موجب کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شود.

بورن هورست و همکاران[3] (۲۰۰۸) با بیان اینکه تاکنون هیچ شاهد تجربی بر وجود رابطه درآمدهای ناشی از منابع و درآمدهای مالیاتی وجود ندارد، به بررسی این ارتباط پرداخته‌اند. آنها با استفاده از داده‌های ۳۰ کشور، وجود رابطه جانشینی میان درآمدهای ناشی از هیدروکربن‌ها و دیگر درآمدهای دولت‌های تحصیلدار را نشان داده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق کشورهایی که از استخراج منابع طبیعی درآمد زیادی به‌دست می‌آورند، به طور قابل توجهی از تلاش خود برای اخذ مالیات می‌کاهند. درآمد ناشی از

1. Agbeyegbe
2. Reyes-Loya & Blanco
3. Bornhorst et al

منابع طبیعی یکی از عوامل تعیین کننده نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است.

گرایی‌نژاد و چپردار (۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بردرآمدهای مالیاتی در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی در ایران طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۵۷، اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص مقبول در مطالعات جهانی را بررسی نبوده‌اند. اندازه بخش کشاورزی به‌عنوان مهم‌ترین بخش استفاده کننده از معافیت‌های مالیاتی به همراه عوامل مؤثر دیگر همچون میزان وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، عوامل فرهنگی، عوامل انگیزشی سازمانی برای سازمان وصول کننده مالیات، حجم اقتصاد زیرزمینی و وضعیت توزیع درآمدها در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته‌اند. کاربرد شیوه‌های تحلیلی-توصیفی و اقتصادسنجی با روش OLS نشان داد که گسترش درآمدهای نفتی و سهم بخش کشاورزی با میزان وصول مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی رابطه معکوس و با عوامل انگیزشی سازمانی رابطه مستقیم دارند.

موسوی جهرمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود ارتباط میان کارایی وصول مالیات بر ارزش افزوده و شکاف تولید را بررسی نموده‌اند. برای این منظور با استفاده از روش داده‌های پانل برای ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۶ ارتباط بین کارایی و درآمد مالیاتی مبتنی بر مصرف و شکاف تولید با استفاده از یک مدل اقتصادسنجی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین شکاف تولید و کارایی درآمد مالیات بر ارزش افزوده وجود دارد.

در پژوهش ابونوری و زیوری مسعود(۱۳۹۳) تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران و کشورهای منتخب سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) [۱] طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۱۹۹۰ با استفاده از داده‌های پانل مورد بررسی قرار گرفته است. در این تحقیق از روش OLS برای تخمین مدل رشد اقتصادی کشورهای OECD، روش سری زمانی برای تخمین مدل رشد اقتصادی ایران و روش

۱. اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلیس،ایتالیا، ژاپن، نیوزیلند، فنلاند، استرالیا، جمهوری چک، مجارستان، مکزیک، کره جنوبی، لهستان، جمهوری اسلواکی و آمریکا

GMM برای تخمین مدل ضریب جینی ایران و کشورهایOECD استفاده شده است. نتایج بیانگر این است که افزایش درآمدهای مالیاتی رابطه مثبت و مستقیم با رشد اقتصادی دارد و با افزایش درآمدهای مالیاتی ضریب جینی افزایش می‌یابد و در نتیجه نابرابری درآمد بیشتر می‌شود.

۴- تصریح مدل

برای انجام تحلیل تجربی و بررسی رابطه میان درآمد غیرهیدروکربنی (درآمد مالیاتی) و درآمد هیدروکربنی (درآمد نفتی) با استناد به مطالعات پیشین به‌ویژه مطالعه بورن هورست و همکاران (۲۰۰۸) الگوی زیر تصریح می‌گردد:

$$\left(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}}\right)_{it}= \alpha_i + \beta_1\left(\frac{R^{H}}{Y^{H}}\right)_{it} + \beta_2\, OP+ \mu_{it}$$

که در آن $\left(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}}\right)$ نسبت درآمد غیرهیدروکربنی به تولید ناخالص داخلی غیرهیدروکربنی که نماد درآمد مالیاتی به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد و $\left(\frac{R^{H}}{Y^{H}}\right)$ نسبت درآمد هیدروکربنی به تولید ناخالص داخلی هیدروکربنی که نماد درآمد حاصل از منابع طبیعی مانند نفت و گاز (درآمد نفتی) و (OP) قیمت نقطه‌ای نفت‌خام به‌عنوان متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشند. i و t به‌ترتیب نشانگر کشور و دوره زمانی هستند. بازه زمانی از ۲۰۱۴-۱۹۹۸ و قلمرو مکانی کشورهای صادرکننده نفت[۱] می‌باشد. داده‌های تحقیق از سایت صندوق بین‌المللی پول[۲] و سایت بانک جهانی[۳] و سایتBP[۴] گرفته شده است.

لازم به ذکر است که تنها متغیر قیمت نقطه‌ای نفت‌خام به‌صورت لگاریتم طبیعی درآمده است.

$$\left(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}}\right)_{it} = \alpha_i + \alpha_{\frac{R^{H}}{Y^{H}}}\left(\frac{R^{H}}{Y^{H}}\right)_{it} + \alpha_{OP}LnOP_{it} +\mu_i$$

---

۱. الجزایز، آذربایجان، برونئی، چاد، اکوادور، گابون، ایران، کویت، مکزیک، نروژ، قطر، عربستان سعودی، سوریه، امارات متحده عربی، ویتنام، آنگولا، بحرین، کامرون، کنگو، گینه استوایی، اندونزی، قزاقستان، لیبی، نیجریه، عمان، روسیه، سودان، ترینیداد و توباگو، ونزوئلا و یمن

2. www.imf.org
3. www.worldbank.org
4. BP statistical review of world energy http://www.bp.com, June 2014

۵- روش تحقیق

روش تخمین پانل دیتا

مدل پانل دیتا روشی برای تلفیق داده‌های مقطعی و سری زمانی است، معمولا روش‌های سنتی اقتصادسنجی سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی، ناهمگنی‌های مربوط به مقاطع را در نظر نمی‌گیرند و نتایج تخمین دارای ریسک تورش هستند. اما استفاده از داده‌های پانل، تورش برآورد را از بین برده و یا کم می‌کند و در حقیقت اثرات فردی ناهمگن بنگاه‌ها را به حساب می‌آورد. از طرفی بالا بودن حجم مشاهدات باعث می‌شود مسئله همخطی در اقتصادسنجی تا حدودی رفع شود. به‌طور کلی یک مدل رگرسیونی در قالب داده‌های تابلویی به‌صورت زیر است که در آن $\acute{\varepsilon}_{it}$ دارای میانگین صفر و واریانس ثابت است. u_i اثرات ثابت و نشانگر تفاوت‌های فردی مقاطع است و e_{it} جزء اخلال است:

$$y_{it} = \alpha + \beta x_{it} + u_{it} + e_{it} \quad , \quad \acute{\varepsilon}_{it} = u_i + e_{it} \qquad (۱)$$

گام اول در برآورد مدل‌های پانل دیتا، حصول اطمینان از مانایی متغیرهای مورد استفاده در تخمین است. آزمون ریشه واحد، یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که امروزه برای تشخیص مانایی یک فرآیند سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک فرآیند تصادفی را هنگامی مانا می‌نامیم که میانگین و واریانس آن در طی زمان ثابت بوده و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی تنها به فاصله یا وقفه بین دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد. اساس آزمون ریشه واحد بر این منطق استوار است که اگر یک فرآیند، از نوع خودرگرسیونی مرتبه اول باشد، در آن صورت، سری ناماناست. برای بررسی مانایی در داده‌های پانل از آزمون‌های ریشه واحد داده‌های تابلویی که کواه[1] (۱۹۹۴و۱۹۹۲) و بریتون[2] (۱۹۹۴) پایه‌ریزی کرده‌اند و لوین و لین[3] (۱۹۹۲ و ۲۰۰۳)، لوین، لین و چو[4] (۲۰۰۲) و ایم، پسران و شیم[5] (۱۹۹۷ و ۲۰۰۳) آن را کامل کردند استفاده می‌کنیم. این آزمون‌ها عبارتند از:

1. Quah
2. Breitung
3. Levin & Lin
4. Levin, lin, kao
5. Im, Pesaran, Shin

لوین، لین و چاو (LLC)، برتونگ[1]، آزمون‌های هادری[2]، ایم، پسران و شین (IPS)، فیشر- دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) و فیشر- فلپس پرون (PP) (زراء نژاد و انواری، ۱۳۸۴). در گام بعدی مسئله ناهمگنی واحدها بررسی می‌شود و در نهایت با استفاده از آزمون‌های تشخیصی از بین ۳ مدل تلفیقی[3]، اثرات ثابت[4] یا اثرات تصادفی[5]، بهترین روش برای تخمین مدل انتخاب می‌شود. رایج‌ترین آزمون‌ها عبارتند از: آزمون F لیمر[6] برای بررسی ارجحیت استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل مدل تلفیقی و آزمون‌هاسمن برای بررسی امکان استفاده از اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی. فرضیات آزمون F لیمر بدین ترتیب است:

$$H_0: u_1 = u_2 = \cdots = u_n = 0$$

H_1: حداقل یکی از u_iها مخالف صفر است. (۲)

آماره آزمون فوق بدین صورت خواهد بود:

$$F\big((N-1)(NT-N-K)\big) = \frac{(RSS_R - RSS_U)/N-1}{RSS_U/NT-N-K} \quad (۳)$$

که درآن RSS_R مجموع مجذور خطای مدل مقید یا همان تلفیقی است و RSS_U مجموع مجذور خطای مدل نامقید است. اگر F محاسبه شده از F جدول بزرگتر باشد فرضیه صفر رد می‌شود و بدین ترتیب مدل به روش پانل دیتا (اثرات ثابت یا تصادفی) برآورد می‌شود و در غیر این صورت مدل تلفیقی به روش OLS تخمین زده می‌شود. پس از تأیید ناهمگنی، جهت انتخاب بین مدل‌های اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون‌هاسمن استفاده می‌شود. این آزمون به‌صورت زیر است:

$$W = (b_s\beta_s)(M_1 + M_0)^{-1} = (b_s\beta_s) \tilde{} x^2(r) \quad (۴)$$

در رابطه فوق r تعداد پارامترها، w دارای توزیع x^2 با درجه آزادیr است که در آن M_1 ماتریس کوواریانس برای ضرایب مدل اثرات ثابت (b_s) وM_0 ماتریس کوواریانس برای ضرایب مدل اثرات تصادفی (β_s) است. اگر M_0 و M_1 همبسته باشند، b_s و β_s می‌توانند به‌طور معناداری متفاوت باشند و این انتظار وجود دارد که تا این امر در آزمون

1. Bertong
2. Haudry
3. Pooled
4. Fixed
5. Random
6. Limer

منعکس شود. در آزمون‌هاسمن فرضیه صفر بیانگر انتخاب روش تصادفی و فرضیه مخالف اثرات ثابت است. بنابراین در صورت رد فرضیه روش اثرات ثابت قابل پذیرش است.

۶- برآورد الگوی تحقیق

آزمون ریشه واحد

جهت تخمین مدل ابتدا باید وجود یا عدم وجود ریشه واحد در متغیرهای مدل بررسی شود. این کار کمک می‌کند نتایج ناشی از تخمین‌ها کاذب نباشد و نتایج قابل اعتمادتری از مدل به‌دست آید (مهرگان و سلطانی صحت، ۱۳۹۳). نتایج حاصل از تخمین آزمون ریشه واحد به روش دیکی فولر نشان می‌دهد که تمام متغیرها در سطح مانا شده‌اند.

جدول ۱- نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد به روش دیکی فولر

متغیرها	عرض از مبدا و روند	نتیجه
	سطح	
درآمد مالیاتی $\left(\frac{R^{NH}}{Y^{NH}}\right)$	-۸,۵۶۴۵۱[1] (۰,۰۰۰۰)[2]	I(0)
درآمد نفتی $\left(\frac{R^{H}}{Y^{H}}\right)$	-۱۳,۵۰۸۷ (۰,۰۰۰۰)	I(0)
قیمت نقطه‌ای نفت‌خام (OP)	-۷,۹۸۷۴۲ (۰,۰۰۰۰)	I(0)

منبع: خروجی نرم افزار eviews8

۷- برآورد مدل با استفاده از روش پانل دیتا

برای تعیین نوع برآورد الگو به روش داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی از آزمون اف لیمر و برای تعیین نوع برآورد الگو به روش آثار ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. که در جدول ۲ تنها اثر ثابت تأیید می‌شود.

1. Statistic
2. Prob

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون اف لیمر

نوع آزمون	متغیر وابسته	آماره آزمون	سطح احتمال
اف لیمر	درآمد غیرهیدروکربنی (درآمد مالیاتی)	۲.۹۸۹۴۹۸	۰.۰۰۰۰

منبع: خروجی نرم افزار eviews8

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد مدل اثرات ثابت

متغیر	ضرایب و سطح احتمال
درآمد هیدروکربنی (درآمد نفتی) $\left(\frac{R^H}{Y^H}\right)$	-۰.۱۴۶۲۱۴ (۰.۰۰۰۰)
لگاریتم قیمت نقطه‌ای نفت‌خام (LOP)	-۰.۰۰۳۵۱۲ (۰.۱۶۶۸)
عرض از مبدا (C)	۰.۱۷۵۱۱۲ (۰.۰۰۰۰)
ضریب تعیین (R^2)	۰.۹۸
دربین- واتسون (D-W)	۱.۹۸
آماره F	۳۸۲.۰۹۵ (۰.۰۰۰۰۰۰)

اعداد داخل پرانتز سطح احتمال را نشان می‌دهد.

منبع: خروجی نرم افزار eviews8

طبق جدول ۳ درآمد هیدروکربنی (درآمد نفتی) رابطه منفی و معنادار با درآمد غیرهیدروکربنی (درآمد مالیاتی) دارد و مطابق با انتظار نظری است. ضریب تعیین ۰.۹۸ درصد که حاکی از قدرت توضیح دهندگی بالای مدل می‌باشد و بیان می‌نماید که ۰.۹۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته در مدل با استفاده از متغیرهای توضیحی درون مدل توضیح داده می‌شود. آماره دربین واتسون ۱.۹۸ نشان از خوبی تصریح مدل و عدم وجود مشکلات تکنیکی اقتصادسنجی در مدل برآوردی دارد. آماره F در کشورهای صادرکننده نفت ارائه شده و برابر ۳۸۲.۰۹۵ به‌دست آمده است که حاکی از قدرت توضیح دهندگی الگو می‌باشد.

۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این مطالعه بـه بررسـی رابطـه درآمـد هیـدروکربنی بـا درآمـد غیرهیـدروکربنی کشورهای صادرکننده نفت با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۸ پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که علـت رابطـه درآمـد هیـدروکربنی بـا درآمد غیرهیدروکربنی را می‌توان اینطور تفسیر کرد که اتکای بـیش از حـد دولـت بـه درآمدهای نفتی و سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه دولـت باعـث کـم تـوجهی بـه مالیات و اخذ آن به‌صورت بهینه و کاهش بار مالیاتی می‌شود که ایـن مسـئله از طرفـی باعث فرار مالیاتی اقشار پردرآمـد جامعـه شـده موجـب تغییـر توزیـع درآمـد بـه ضـرر دهک‌های پایین درآمدی مـی‌شـود. بـه طـور کلـی درآمـدهای حاصـل از فـروش نفـت مستقیما عاید دولت گردیده و انگیزه دولت برای ایجاد یک نظام دقیق مالیاتی را از بین می‌برد، که این خود وضعیت را بدتر کرده و وابستگی دولـت بـه نفـت را بـیش از پـیش می‌گردانده نتایج به‌دست آمده با مطالعات بورن هورست و همکاران (۲۰۰۸)، ریبزلویا و بلانکو (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. از عوامل موجد اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتـی و پایین بودن سهم مالیات در بودجه دولت‌ها می‌توان به سیستم مالیاتی پیچیـده و فسـاد گسترده نیز اشاره کرد. از طرفی کشورهایی که از منابع طبیعی فراوان برخوردارند عموماً در توسعه درآمد حاصل از مالیات توفیق چندانی نداشـتند و ایـن موضـوع بـا توجـه بـه ماهیت نوسانی جریان درآمد نفت سبب مشکلاتی برای دولت‌ها در حکمرانی شده است، زیرا تلاش مالیاتی پایین‌تر موجب کاهش منابع در دسـترس بـرای تـأمین هزینـه‌هـای عمومی و تأمین اجتماعی می‌شود. یک سیستم مالیاتی کارا علاوه بر تأمین مـالی مـورد نیاز دولت باعث کنترل نقدینگی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت می‌شود. در واقع پـایین بودن نسبت مالیاتی در یک کشور باعث می‌شود تا آن دولت از کارکرد مالیات در جهـت توزیع عادلانه درآمد و نقش تثبیت کنندگی مالیات بی‌بهره بماند. اتکای درصد بالایی از بودجه کشورها به درآمدهای نفتی، زمینه‌ساز رشد بخش عمومی، اعمـال سیاسـت‌هـای انبساطی، بروز بیماری هلندی و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و تداوم ایـن رونـد آن را به یک مشکل مزمن و ساختاری تبدیل نموده است. وابستگی تأمین هزینه‌هـا بـه نفت، مانع کشف توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مالیـاتی مـی‌شـود و در نتیجـه کشـور را از داشتن درآمدهای استاندارد دیگر محروم می‌سازد. در واقع درآمدهای بالای نفتی انگیزه

اخذ مالیات را کاهش می‌دهد، زیرا هزینه‌های دولت از طریق این درآمدها تأمین می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد که کاهش وابستگی بودجه عمومی به نفت و افزایش سهم مالیات در آن امری اجتناب ناپذیر باشد. این امر می‌تواند از طریق کنترل هزینه‌های غیرضرور، بازنگری در ساختار دستگاه‌های دولتی و حذف دستگاه یا فعالیت‌های تکراری و موازی، اجرایی نمودن سیاست‌های مندرج در برنامه‌های توسعه، ساماندهی طرح‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری دولت و انتخاب راهکارهای مشارکتی بخش عمومی و خصوصی محقق گردد. پیشنهاد می‌شود که اثر درآمد نفتی بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی از طریق اثری که بر رانت و فساد می‌گذارد و همچنین از کانال بیماری هلندی یا نرخ ارز مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس و با توجه به نقش مهم درآمدهای مالیاتی در توسعه و پیشبرد اهداف دولت، نظام مالیاتی همواره کوشیده است موانع و مشکلات پیش‌رو را با اتخاذ تدابیر مناسب برطرف سازد. در این راستا سعی می‌شود فرآیندهای مالیاتی کارآمد شده و بازده مناسبی داشته باشد. وجود نگاه یکپارچه و یکسان به مؤدیان مالیاتی، ایجاد زمینه و امکانات مناسب برای همکاری اصناف درخصوص انجام تکالیف قانونی و صنفی آنها از مهم‌ترین مواردی است که نظام مالیاتی به آن توجه دارد. همچنین پیشنهاد می‌شود درآمدهای نفتی در جریان سرمایه‌گذاری به کار گرفته شود و زمینه اشتغال و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد، جوانان، زنان، فارغ التحصیلان و سایر افراد جویای کارفراهم شود. پیشنهاد می‌شود که مطالعاتی در خصوص واکنش سایر مالیات‌های غیرمستقیم، مالیات مستقیم (به تفکیک بر اساس اهمیت آنها در درآمد مالیاتی دولت) و کشش‌های درآمد حاصل از انواع مالیات‌ها در بستر نوسانات اقتصادی (به تفکیک دوره رکود و رونق) انجام شود و با مقایسه نتایج حاصل بتوان درآمدهای مالیاتی و درجه اتکاء به آنها را در هنگام بروز نوسانات اقتصادی، دقیق‌تر پیش‌بینی کرد. جهت بالا بردن فرهنگ مالیاتی پیشنهاد می‌شود نشریات تخصصی در زمینه مالیات و فرهنگ مالیاتی به طور منظم در کشور منتشر شوند و رسانه‌های جمعی مانند صدا و سیما برنامه‌های خاصی را برای مخاطبین خود تولید و پخش کنند.

فهرست منابع

ابراهیمی، محسن، سالاریان، محمد، حاجی میرزایی، سید محمدعلی (۱۳۸۷)، بررسی مکانیسم‌های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از دیدگاه بلای منابع طبیعی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ۵، شماره۱۶، صفحات ۱۳۱-۱۵۶

ابونوری، عباسعلی، زیوری مسعود، سمیه (۱۳۹۳)، تأثیر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد (ایران و کشورهای منتخب OECD)، پژوهشنامه مالیات، سال ۲۲، شماره ۲۴، صفحات ۸۵-۶۳

خداپرست شیرازی، جلیل، تبعه ایزدی، امین (۱۳۹۳)، اندازه‌گیری وابستگی درآمدهای مالیاتی دولت‌های تحصیلدار به درآمدهای نفتی، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۱۱، شماره ۴، صفحات ۴۶-۲۱

زراء نژاد، منصور، تبعه ایزدی، امین، حسین پور، فاطمه (۱۳۹۳)، بررسی و اندازه‌گیری تأثیر درآمدهای نفتی بر درآمدهای مالیاتی در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، دوره ۱۸، شماره ۷۲، صفحات ۱۳۷-۱۱۱

زراء نژاد، منصور، انواری، ابراهیم (۱۳۸۴)، کاربرد داده‌های ترکیبی در اقتصادسنجی، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۲، شماره ۴، صفحات ۲۱-۵۲

سلیمی سودرجانی، احسان، محمودی نیا، داوود، پورشهابی، فرشید (۱۳۹۰)، آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی در کشورهای منتخب با درآمد پایین‌تر از متوسط، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱۸۰-۱۴۸

صاحب هنر، حامد، ندری، کامران (۱۳۹۲)، تحلیل اقتصادی اثر افزایش درآمدهای نفتی بر توزیع درآمد با رویکرد BVAR: مطالعه موردی ایران، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال۲، شماره ۹، صفحات ۱۴۹-۱۱۵

عباسیان، عزت اله، خاتمی، طیبه (۱۳۹۱)، تعیین مسیر بهینه مالیات‌ها در جهت کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی، فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره ۹، شماره۱ ، صفحات ۱۱۱-۸۷

قطمیری، محمدعلی، اسلاملوئیان، کریم (۱۳۸۷)، برآورد تلاش مالیاتی در ایران و مقایسه آن با کشورهای درحال توسعه منتخب، فصلنامه تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۳، شماره۸۳، صفحات ۱۸۶-۱۶۳

کریمی پتانلار، سعید، بابازاده، محمد (۱۳۹۰)، اثر فساد مالی بر درآمدهای مالیاتی و مخارج دولت: مطالعه موردی کشورهای منتخب درحال توسعه، سال ۱۹، شماره ۵۷، صفحات ۱۷۰-۱۵۷

کارل‌تری لین (۱۳۸۸)، معمای فراوانی، مترجم: جعفر خیرخواهان، نشر نی، تهران.

گرایی نژاد، غلامرضا، چپردار، الهه (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال۶، شماره۲۰، صفحات ۹۲-۶۹

نجارزاده، رضا، زارع، حمیدرضا (۱۳۸۵)، برآورد کشش و وقفه درآمد مالیاتی شرکت‌ها در استان تهران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال۶، شماره۳، صفحات ۶۹ -۴۹

موسوی جهرمی، یگانه، رضایی، محمدقاسم، سبزرو، محبوبه (۱۳۹۲)، نگرشی به کارایی درآمد مالیاتی مبتنی بر مصرف در بستر نوسانات اقتصادی: تحلیل بین کشوری، پژوهشنامه مالیات، سال ۲۱، شماره ۲۰، صفحات ۵۲-۷۱

Agbeyegbe, T.D., Stotsky, J. & Wolde Mariam, A. (2006)," Trade Liberalization, Exchange Rate Changes, and Tax Revenue in Sub-Saharan Africa", *Journal of Asian Economics*, No.17, pp.261-284.

Bornhorst, F., & Gupta, S., & Thornton, J. (2008); "Natural Resource Endowments and Domestic Revenue Effort", *European Journal of Political Economy*, No.25, pp. 439-446.

Bergman, M., (2002), "Who pays for social policy? A study on taxes and trust," *Journal of Social Policy* ,Vol.31, No.2, pp. 289-305.

Doraisami, A., (2015). Has Malaysia really escaped the resourse curse? A closer look at the political economy of oil revenue management and expenditures. *Resource Policy*, vol. 45, pp. 98-108.

Knack, S., (2009), "Sovereign rents and quality of tax policy and administration," *Journal of Comparative Economics* ,Vol.37, No.3, pp. 359-71.

Mahdavi, S. (2008); "The Level and Composition of Tax Revenue in Developing Countries: Evidence from Unbalanced Panel Data", *International Review of Economics and Finance*, Vol.17, No.4, pp. 607-617

Moore, M. (2007); "How Does Taxation Affect the Quality of Governance", *IDS Working Paper*, p. 280, Brighton, UK.

Reyes-Loya, M. & Blanco, L. (2008); "Measuring the Importance of Oil-Related Revenues in Total Fiscal Income for Mexico", *Energy Economics*, Vol.30, No.5, pp. 2552-2568.

Tijerina-Guajardo, J.A., Pagan, J.A., (2003). Government spending, taxation, and oil revenues in Mexico. *Review of Development Economics* ,Vol.7, No.1, pp. 152–164.

www.worldbank.org

www.imf.org

BP statistical review of world energy http://www.bp.com, June 2014

An Assessment of the Relationship between Hydrocarbon and Non-hydrocarbon Revenues in Petroleum Exporting Countries

Fatemeh Nazari
Department of Economics, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran
nazarifatemeh57@yahoo.com
Received: 2017/03/03 Accepted: 2017/05/18

Abstract

Economists are interested in the study of the relationship between tax revenues and oil revenues, due to the importance of tax revenues in funding the budget. The main purpose of this research is to study the relationship between hydrocarbon and non-hydrocarbon revenue of petroleum exporting countries using the panel data of the period 1998-2014. The results indicate a meaningful and negative relationship between hydrocarbon and non-hydrocarbon revenue.

JEL Classification: H2,C23,N7

Keywords: Non- hydrocarbon revenue, hydrocarbon revenue, panel data approach